بل وجود اخراج کند چنانکه از جنید قدس سره پرسیدند که معرفت چیست کفت المعرفة
وجود جهلك عند قیام علمه کفتند زدنا ایضاحا فرمود هو العارف والمعروف
وچندانکه مراتب قرب زیادت شود وآثار عظمت الهی ظاهرتر کردد حیرت بر حیرت
بیفزاید وفریاد رب زدنی تحیرا فیك از نهاد عارف برخیزد واین معنی که تقریر می افتد
هم علم معرفت است نه معرفت چه معرفت امر وجدانی است وتقریر از آن قاصر
اما علم مقدمه آنست پس معرفت بی علم محال باشد وعلم بی معرفت وبال القول
فی معرفة الصوفی والمتصوف والملامتی والفقیر والفرق بینهم وفی الفصل
العاشر من الباب الثالث من ترجمة العوارف بدانکه مراتب طبقات مردم
علی اختلاف درجاتهم بر سه قسم است قسم اول مرتبه واصلان وکاملان
وآن طبقه علیاست وقسم دویم مرتبه سالکان طریق کمال وآن طبقه وسطی است
وقسم سیم مقیمان وهذه سفلی است واصلان مقربان وسابقانند وسالکان
ابرار واصحاب یمین ومقیمان اشرار واصحاب شمال واهل وصول بعد از انبیا
صلوات الرحمن علیهم دو طایفه اند اول مشایخ صوفیه که بواسطه کمال متابعت
رسول صلی الله علیه وسلم مرتبه وصول یافته اند وبعد از آن در رجوع برا
دعوت خلق بطریق متابعت مامور وماذون شده اند واین طایفه کاملان
مکمل اند که فضل وعنایت ازلی ایشان را بعد از استغراق در عین جمع ولجه توحید
از شکم ماهی فنا بساحل تفرقه ومیدان بقا خلاصی ومناصی ارزانی فرموده تا خلق

بعدان

بنجات ودرجات دلالت کنند واما طایفه دویم جماعت اند که بعد از وصول بدرجه
کمال حواله تکمیل ورجوع بخلق بایشان نرفت وغرقه بحر جمع کشتند ودر شکم ماهی
فنا چنان ناچیز ومستهلك شدند که از ایشان هرکز خبری واثری بساحل تفرقه وناحیت
بقا نرسید ودر سلك زمره سکان قباب غیرت وقطان دیار حیرت انخراط یافتند
وبعد از کمال وصول ولایت تکمیل دیکران بایشان مفوض نکشت واهل سلوك نیز
بر دو قسم اند طالبان مقصد اعلی ومریدان وجه الله یریدون وجهه وطالبان
بهشت ومریدان آخرت ومنکم من یرید الآخرة واما طالبان حق دو طایفه اند
متصوفه وملامتیه متصوفه جماعت اند که از بعض صفات نفوس خلاص یافته
اند وببعضی از احوال واوصاف صوفیان متصف کشته ومتطلع بنهایات
احوال ایشان شده ولیکن هنوز باذیال بقایا صفات نفوس متشبث مانده باشند
وبدان سبب از وصول غایات ونهایات اهل قرب وصوفیه متخلف کشته واما ملامتیه
جماعتی باشند که در رعایت معنی اخلاص ومحافظت قاعده صدق وغایت جهد
مبذول دارند ودر اخفای طاعات وکتم خیرات از نظر خلق مبالغت واجب دانند
با آنکه هیچ دقیقه از صوالح اعمال مهمل نکذارند وتمسك بجمیع فضایل ونوافل از
لوازم شمرند ومشرب ایشان در کل اوقات تحقیق معنی در اخلاص بود ولذت شان
در تفرد نظر حق باعمال واحوال ایشان وهم چنانکه عاصی از ظهور معصیت بر حذر بود
ایشان از ظهور طاعت که مظنه ریا باشد حذر کنند تا قاعده اخلاص خلل نپذیرد

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)